

**Investigating the Effectiveness of Operant Conditioning
Behavior Theory on Relationship between CEO Behavioral Bias
with Internal Control Weakness in Companies listed in the
Tehran Stock Exchange**

Mostafa Maskani¹, Mohammadreza Abdoli²

Abstract

In the shadow of separation of ownership from the control and the problem of representation in the modern business world, it is necessary to pay attention to the psychological and perceptual characteristics of managers as decision makers in this field. Behavioral tendencies of the CEO are considered as one of the consequences of separation of ownership from control, which indicates the difference in incentives in corporate governance. The Purpose of this research is to investigate the effectiveness of operant conditioning behavior theory on the relationship between CEO behavioral bias with internal control weakness in companies listed in the Tehran Stock Exchange. Operant Conditioning Behavior Theory Measured based on the criterion of CEO competitive motivation as a motivator and Managerial Myopic and Overconfidence CEO have been used as criteria for perceived bias. In this research, 88 Tehran Stock Exchange companies were selected through systematic elimination and studied during the period 2012 to 2017. To test the hypothesis regression model was used to perform the final analysis, software Eviews. The results of this study showed that CEO's Tournament incentive moderates the positive effect of manager's behavioral and perceptual bias on the weakness of the internal control system and improves the quality level of the internal control mechanisms of the companies.

Keywords: Overconfidence CEO, Managerial Myopic, Tournament Incentive, Internal Control Weakness

JEL: M12 M41, G40

1 . Ph.D Student, Accounting Department, Shahroud Unit, Islamic Azad University, Shahroud, Iran, Email: mmaskani2000@gmail.com

2 . Associate Professor, Accounting Department, Shahroud Unit, Islamic Azad University, Shahroud, Iran, . Corresponding Author, Email: mrab830@yahoo.com

بررسی تأثیر انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط سوگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف

سیستم کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

مصطفی مسکنی^۲، محمدرضا عبدلی^۳

چکیده

در سایه تفکیک مالکیت از کنترل و مشکل نمایندگی ناشی از آن در دنیای کسب و کار مدرن، لزوم توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و ادراکی مدیران به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان این عرصه ضرورت یافته است. گرایش‌های سوگیرانه رفتاری مدیرعامل به‌عنوان یکی از پیامدهای جدایی مالکیت از کنترل قلمداد می‌شود که نشان‌دهنده تفاوت انگیزه‌ها در مدیریت شرکت‌ها قلمداد می‌گردد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط سوگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به‌عنوان یک محرک رفتاری از طریق تفاوت پاداش موردسنجش قرار گرفت و از کوته‌بینی و بیش‌اطمینانی مدیرعامل به‌عنوان معیارهای سوگیری ادراکی استفاده شده است. در این پژوهش تعداد ۸۸ شرکت بورس اوراق بهادار تهران از طریق حذف سیستماتیک انتخاب و در دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ موردبررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل تأثیر مثبت سوگیری‌های رفتاری و ادراکی مدیرعامل بر ضعف سیستم کنترل داخلی را تعدیل می‌کند و به ارتقای سطح کیفیت مکانیزم‌های کنترل داخلی شرکت‌ها می‌افزاید.

واژه‌های کلیدی: بیش‌اطمینانی، کوته‌بینی، انگیزه رقابتی، ضعف سیستم کنترل داخلی

طبقه‌بندی موضوعی: M12، M41، G40

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/jfm.2019.22320.1796

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران،

Email:mmaskani2000@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، نویسنده مسئول،

Email:mrab830@yahoo.com

مقدمه

در چارچوب تئوری نمایندگی^۱، مدیران به‌عنوان نمایندگان سهامداران که مالکان اصلی شرکت‌ها هستند، عمل می‌کنند. مدیران با این انتظار که در تصمیمات قابل درک مدیریت ارزش‌های مورد انتظار سهامداران را حداکثر کنند، تعیین می‌شوند. مبانی تئوریک بیان می‌دارند که نگرش و ادراک مدیران رده‌بالا بر روی نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیرگذار است (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴؛ هوآننگ و همکاران^۲، ۲۰۱۱: ۲۶۳). همه‌ی مدیران به‌حکم آن‌که مدیرند به یک شیوه عمل نمی‌کنند و مانند سایر افراد جامعه تفاوت‌های فردی، استعدادها، انگیزه‌ها، رغبت‌ها و تمایلات مخصوص به خود دارند و از ادراک، دانش و نظام ارزشی متفاوتی برخوردار هستند. چنین تفاوت‌هایی عمدتاً از تفاوت‌های ناشی از نگرش هر یک از افراد سرچشمه می‌گیرد (زادپور، ۱۳۹۶: ۳۲). اغلب تفاوت‌های روان‌شناختی و شخصیتی مدیران، باعث می‌گردد تا ادراک متفاوتی نسبت به شرایط و عملکردهای شرکت داشته باشند و این موضوع زمینه‌ساز ایجاد سوگیری‌های ادراکی مدیران می‌شود (پوسن و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۱۲). سوگیری‌های ادراکی مدیران بر اساس تئوری نمایندگی مجموع خطاهای احتمالی هستند که بر اساس ویژگی‌های درونی ایجاد می‌شود و باعث ایجاد قضاوت‌هایی درباره رفتار سهامداران، آینده بازار سرمایه و ... می‌شود. در واقع مدیران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان هر شرکتی محسوب می‌شود که تصمیمات تأثیرگذاری را بر ایجاد ارزش بیشتر برای سهامداران می‌تواند اتخاذ نماید. یکی از این فرآیندهای نظارتی و تأثیرگذار بر تصمیمات مدیران، اثربخشی و کاهش ضعف‌های نظارتی از طریق کنترل‌های داخلی می‌باشد. فرض اساسی در بحث‌های عمومی و گزارش‌ها این است که کنترل داخلی، کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد و مشکلات حاکمیتی را کاهش می‌دهد. از آنجاکه بیشتر تصمیمات مدیریت با اتکا بر اطلاعات مالی از سیستم حسابداری اتخاذ می‌شود وجود سیستم کنترل داخلی قوی قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری را که مبنای اخذ این‌گونه تصمیمات است به مدیریت ارائه می‌دهد. همچنین کنترل‌پذیری بر نحوه رسیدگی حساب‌رسان نیز تأثیرگذار می‌باشد (کائو و لو^۴، ۲۰۱۷: ۴). هراندازه کنترل‌های داخلی قوی باشند خطر تحریف بااهمیت کاهش یافته و نتیجتاً خطر حسابرسی نیز کاهش می‌یابد. پژوهشگران حسابداری عواقب کنترل‌های داخلی ضعیف را بررسی کرده‌اند. شواهد موجود نشان می‌دهد که ضعف کنترل داخلی منجر به کیفیت گزارشگری مالی ضعیف و در نتیجه سرمایه‌گذاری غیرکارا و افزایش ریسک‌های داخلی شرکت در تجارت می‌شود (چن و همکارانش^۵، ۲۰۱۶: ۱۵۱؛ سان و همکاران^۶، ۲۰۱۱: ۴۸). حال با توجه به هدف این پژوهش سؤال مهم و اساسی این است، چگونه می‌توان از طریق کنترل سوگیری‌های ادراکی مدیران، مکانیزم‌های کنترل داخلی اثربخش‌تری ایجاد نمود و ضعف آن‌ها را پوشش داد؟ شاید همواره در بیشتر پژوهش‌های تجربی، تمرکز صرف بر نظام حاکمیتی شرکت‌ها باعث شده است تا اغلب پژوهش‌ها نتایج تا حدی مشابه را کسب نمایند و بسط تئوریک و مفهومی قابل توجهی در باب موضوع سوگیری‌های ادراکی مدیران صورت نپذیرد. این پژوهش با اتکا به نظریه اسکینر که تئوری رفتار کنشگر را مطرح نمود، تلاش دارد با توجه به نقش انگیزش‌های مبتنی بر پاداش برای مدیران، سوگیری‌های ادراکی را به تعادل بیشتری هدایت نماید. اسکینر

- 1 . Agency Theory
- 2 . Huang et al
- 3 . Posen et al
- 4 . Cao & Lu
- 5 . Chen et al
- 6 . Sun et al

معتقد بود رفتار کنشگر در مقایسه با رفتار پاسخگر، نقش مهم تری در عملکردها و تصمیم گیری های فردی ایفا می کند (نرماشیر و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸). در واقع نظریه کنشگر بر رفتار پاسخگر که اصطلاحاً به آن محرک گفته می شود و رفتار کنشگر که به آن اصطلاحاً رفتار فعال گفته می شود تمرکز دارد و بیان می کند، محرک های تزریق شده به مدیران همچون پاداش، پاسخ های درخور توجهی همچون ارتقای سطح عملکردهای فردی و توانمندی های تصمیم گیری را به عنوان یک رفتار پاسخگر به دنبال خواهد داشت، اما رفتار کنشگرانه ی مدیران در بلندمدت با توجه به رفتارهای تقویت شده، شکل می گیرند و با توجه به اینکه ادراک افراد معمولاً در هسته ی مرکزی تغییر رفتار قرار دارند، زمان می برد، تغییر کنند، از طریق رفتار کنشگرانه، در درون افراد نهادینه می شود و تا حد زیادی خطاهای ادراکی مدیران را کاهش می دهد و شکل تازه ای به ادراک مدیران بر اساس بینش نهادینه شده در فرد، می دهد (آندرو و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۲۳). به عبارت ساده تر وجود یک محرک، به عنوان یک برانگیزاننده، رفتار پاسخگر را شکل می دهد و باعث می گردد رفتار کنشگرانه در درون مدیران نهادینه شود. این پژوهش از طریق واکاوی در تئوری شرطی سازی عامل یا کنشگر تلاش دارد تا سوگیری های ادراکی مدیران را در ارتقای سطح اثربخشی کنترل های داخلی موردبررسی قرار دهد تا بر اساس آن بتواند اطلاعات قابل اتکاتری به سهامداران و سرمایه گذاران ارائه نماید و این موضوع می تواند به ایجاد اطمینان و اعتماد بیشتر فعالان بازار سرمایه نسبت به عملکردهای شرکت گردد. لذا هدف این پژوهش بررسی اثربخشی نظریه رفتار کنشگر بر ارتباط سوگیری های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

پیشینه پژوهش و مروری بر مبانی نظری

کنترل داخلی

کمیته ی حمایت از سازمان های حامی کمیسیون تردوی (COSO) در سال ۱۹۹۲ میلادی، چارچوب کنترل داخلی یکپارچه را ارائه نمود و این چارچوب امروزه به عنوان یک چارچوب پیشرو در جهت طراحی، اجرا و ارزیابی اثربخشی کنترل داخلی شناخته شده است. پس از حدود دو دهه از شکل گیری چارچوب اصلی، کسب و کار و محیط های عملیاتی به طور چشمگیری تغییر کرده و پیچیده تر شده، فناوری نقش پررنگ تری پیدا کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده است (هویتاش و همکاران^۲، ۲۰۰۹: ۸۴۱). کنترل داخلی، فرآیندی است که مدیران از اثربخشی و کارایی عملیات، قابل اعتماد بودن گزارشگری مانی و رعایت قوانین و مقررات مربوط اطمینان حاصل می نمایند (عیسای و سیفی مورودی، ۱۳۹۶: ۴۴). در ایران نیز، توجه به مقوله ی حسابرسی داخلی و کنترل های داخلی، با توجه به الزام قانونی در جهت تشکیل کمیته ی حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران و نیز ارائه ی گزارش کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مانی، بیشتر شده و نگاهی به ضرورت های به روزرسانی چارچوب پیشین و چارچوب جدید، مفید به نظر می رسد. در واقع انسجام و یکپارچگی کنترل های داخلی به مدیرعامل کمک می کند که نظارت های اثربخش تری از عملکردهای شرکت ها را اعمال نمایند و بر دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده آن ها را یاری دهد (کثیری و حسن زاد، ۱۳۹۲: ۱۴). اهداف کنترل داخلی شامل اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد گزارش دهی مالی و رعایت قوانین و مقررات مربوطه می باشد که این اهداف موجب افزایش ضریب اطمینان

فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت در راستای منافع سهامداران به‌طور مشخص و به‌طور کلی، تمام ذینفعان است (بنگ و لی^۱، ۲۰۱۱).

سوگیری ادراکی مدیرعامل

عرصه ظهور علوم رفتاری در مباحث مالی، یک رویکرد جدید نسبت به مطالعات بازارهای مالی است. این رویکرد به این موضوع می‌پردازد که برخلاف مباحث و نظریه‌های مالی استاندارد، گرایش‌های رفتاری و شناختی می‌تواند بر قیمت دارایی‌های مالی تأثیرگذار باشد (اعتباریان خوراسگانی و قریشی شهرکی، ۱۳۹۴: ۹۷). مالی رفتاری، خود به سؤالاتی از این دست می‌پردازد که آیا وجود خطاهای ادراکی مدیرعامل می‌تواند، باعث ایجاد شکاف بیشتر هزینه‌های نمایندگی گردد؟ مطالعات مختلفی در زمینه‌ی انواع خطاهای ادراکی و چگونگی تأثیر این خطاها بر تصمیم‌گیری مالی سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی انجام شده و به این نتیجه دست یافته‌اند که تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تحت تأثیر چندین خطا یا سوگیری ادراکی مدیرعامل قرار می‌گیرد (کمالی اردکانی و رجبی قیری، ۱۳۹۴).

بیش اطمینانی مدیرعامل

بیش اطمینانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری محسوب می‌شود. افراد بیش اطمینان معتقدند که توانایی‌های بیشتری نسبت به سایر افراد دارند، می‌توانند ریسک‌های موجود در خارج از حوزه اختیارات خود را کنترل کنند و پیش‌بینی‌های آنان بسیار دقیق‌تر از آن چیزی است که در واقعیت اتفاق می‌افتد (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۴؛ رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳: ۵۸). دو عامل رفتاری مرتبط با اطمینان بیش‌ازحد مدیران منجر به افزایش انتظارات تقاضای آتی می‌شود:

الف) درجه‌بندی اشتباه یا غلط (اثر پایین‌تر از واریانس^۲): متداول‌ترین نوع اطمینان بیش‌ازحد در ادبیات مالی است که گاهی از آن به اطمینان بیش‌ازحد در پیش‌بینی نام برده می‌شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند و فاصله اطمینان‌های بسیار باریکی در پیش‌بینی‌های خود دارند (لیبی و رنه کمپ^۳، ۲۰۱۲: ۲۰۰).

ب) خوش‌بینی مفرط یا غیرواقع‌بینانه (اثر بالاتر از میانگین^۴): در این نوع از اطمینان بیش‌ازحد، افراد مهارت‌های خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند (هریبار و یانگ^۵، ۲۰۱۲: ۲۰۸). در واقع نگرش خوش‌بینی مفرط نسبت به درآمدهای آینده، مدیران را به سمت اتخاذ تصمیمات بر مبنای پیش‌بینی‌های خود سوق می‌دهد (قادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۵). پژوهش‌های روانشناسی صورت گرفته نشان می‌دهد که عموماً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیرواقع‌بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند.

1 . Beng & Li
2 . Lower- variance Effect
3 . Libby & Rennekamp
4 . Above-Average Effect
5 . Hribar & Yang

کوته‌بینی مدیریتی

تعریف عمومی اصطلاح کوته‌بینی، عدم پیش‌بینی یا درک، دید محدود در مورد مسائل (مرادی و باقری، ۱۳۹۳) و دیدگاه سطحی در اندیشه و برنامه‌ریزی است (عبدلی و طالع زاری، ۱۳۹۳: ۵۸). کوته‌بینی شرحی از یک‌شکل سوگیری یا گرایش است که محدودیتی جدی و مهم برای توجه به گزینه‌ها و پیشنهادها در انتخاب و تصمیم‌گیری ایجاد می‌کند (دس و پیکن^۱، ۱۹۹۹: ۱۰۱). در تعریف کوته‌بینی، نگرش در تعریف تعصب یا سوگیری، به‌ویژه به‌منزله محدودیت دید، آمده است (دیدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۰). تعریف متداول کوته‌بینی و سوگیری حاکی از آن است که کوته‌بینی شکلی از سوگیری یا پیش‌داوری پایدار است که در ارتباط با دید افراد و سازمان‌ها مورد توجه زیاد اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است (کرن^۲، ۲۰۰۶: ۳). تئوری‌های موجود در زمینه کوته‌بینی مدیریتی نشان می‌دهند که مدیران نسبت به سهامداران با تنوع مناسب از افق سرمایه‌گذاری کمتری برخوردار هستند. واگرایی در افق‌های سرمایه‌گذاری در بین مدیران و سهامداران، به خاطر عدم تقارن اطلاعاتی و تفکیک مالکیت و کنترل (استین^۳، ۱۹۸۸؛ اشلیفر و ویشنی^۴، ۱۹۹۰؛ تاکور^۵، ۱۹۹۰؛ بیچاک و استول^۶، ۱۹۹۳) منجر به هزینه‌های بنگاه می‌شود. شناخت اشکال مختلف کوته‌بینی می‌تواند در جلوگیری از انجام رفتارهای کوته‌بینانه مفید واقع شود (مزیک^۷، ۲۰۱۰: ۵۹۹). لوینتال و مارچ^۸ (۱۹۹۳) اشکال کوته‌بینی را در سه سطح شناسایی کرده‌اند. با توجه به ویژگی مورد بررسی، مدیران کوته‌بین، مدیرانی هستند که از منافع بلندمدت به خاطر منافع کوتاه‌مدت چشم‌پوشی می‌کنند...

کوته‌بینی فاصله‌ای: کوته‌بینی فاصله‌ای به ناآگاهی از فناوری، فرآیندهای جاری موجود در داخل و خارج از سازمان (میلر^۹، ۲۰۰۲: ۶۹۱) و فناوری مطلوب یادگیری جدید برای یادگیرنده اطلاق می‌شود.

کوته‌بینی زمانی: کوته‌بینی زمانی به ناآگاهی از منافع یا فرصت‌ها و اقدام به سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت گفته می‌شود و احتمال به خطر انداختن اداره بلندمدت سازمان در ازای یک دوره کوتاه‌مدت را در پی دارد (میزک و جاکبسون^{۱۰}، ۲۰۰۷: ۸۹).

کوته‌بینی ناشی از اعتماد به نفس کاذب: اعتماد به نفس کاذب موجب می‌شود که مدیران ارشد برای تفسیر نتایج تاریخی، برآوردی بیش از توانایی خود در مدیریت و کنترل ریسک داشته باشند. این مدیران، موفقیت را به توانایی‌های خودشان و شکست را به شانس یا عوامل خارجی نسبت می‌دهند (دیدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

پژوهش‌های کمی در ارتباط با رویکرد سوگیری‌های ادراکی مدیران با افشای ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها انجام شده است و بر این مبنا تلاش می‌شود در این بخش بیشتر پژوهش‌ها تا حدی مشابه مورد بررسی قرار گیرد. به‌عنوان اولین پیشینه تجربی باید بیان شود، کائو و لو (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان ویژگی‌های فردی هیئت‌مدیره بر نقاط ضعف کنترل داخلی انجام دادند. جامعه‌ی آماری پژوهش

- 1 . Dess & Picken
- 2 . Kern
- 3 . Stein
- 4 . Shleifer & Vishny
- 5 . Thakor
- 6 . Bebchuck and Stole
- 7 . Mizik
- 8 . Levinthal & March
- 9 . Miller
- 10 . Mizik & Jacobson

شرکت‌های بورس اوراق بهادار کشور چین بود که در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. نتایج نشان داد، ویژگی اعضای هیئت‌مدیره همچون سطح تحصیلات، تخصص و یکپارچگی و انسجام مدیرعامل با نقاط ضعف کنترل داخلی ارتباط معناداری دارد. همچنین مشخص شد ویژگی‌ها و توانمندی مدیریتی شرکت‌ها نقش تأثیرگذاری در کاهش نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها دارد.

ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارائه تجدید صورت‌های مالی: شواهدی از کشور چین انجام دادند. در این پژوهش شرکت‌های فعال در بورس کشور چین در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد انگیزه رقابتی مدیرعامل بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری دارد و دوره‌ی تصدی این ارتباط را به سمت منفی تقویت می‌کند، در صورتی که انتصاب مدیرعامل جدید از درون شرکت ارتباط مثبت انگیزه رقابتی با تجدید ارائه صورت‌های مالی را تقویت می‌کند.

جیا^۲ (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان انگیزه رقابتی و هزینه حسابرسی انجام دادند. این پژوهش در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ در بورس اوراق بهادار کشور ایالات متحده انجام گرفت. نتایج نشان داد، بین انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل و هزینه‌های حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد و تغییر مدیرعامل می‌تواند باعث تقویت ارتباط انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل بر هزینه‌های حسابرسی گردد. یافته‌های این پژوهش، اطلاعات مفیدی را در زمینه رابطه بین سیاست‌های پاداش شرکت، ارزیابی ریسک حسابرسان و تصمیمات قیمت‌گذاری و همچنین نتایج اقتصادی انگیزه‌های رقابتی مبتنی بر عملکرد در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

جی و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به رابطه میان افشای اختیاری ضعف‌های کنترل داخلی و کیفیت سود پرداختند. نتایج پژوهش‌های آن‌ها نشان می‌دهد که کنترل داخلی ابزار مؤثری بر کنترل ریسک شرکت می‌باشد و کیفیت سود رابطه مستقیمی با افشای ضعف‌های کنترل داخلی دارد. لی^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی تأثیر بیش اطمینانی مدیرعامل بر نقاط ضعف کنترل داخلی در گزارشگری مانی را بررسی نمودند. دوره زمانی این پژوهش ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ بود و تعداد ۸۴۳۸ مشاهده بر اساس سال-شرکت مورد بررسی قرار گرفت. جامعه‌ی آماری شرکت‌های بورس کشور کره جنوبی بود. نتایج نشان داد، بیش اطمینانی مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر نقاط ضعف کنترل داخلی گزارشگری مانی شرکت‌ها دارد.

ریج و همکاران^۵ (۲۰۱۴) تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر استراتژی‌های شرکت‌های آمریکایی را بررسی نمودند. در این پژوهش ۱۰۰ شرکت در ۱۱ صنعت فعال در بازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفتند. استراتژی‌های شرکت‌ها در سه بعد مالی کیفیت گزارشگری مالی، اجتناب مالیاتی و مدیریت سود تحت تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی قرار دارد. همچنین مشخص گردید وجود کوتاه‌بینی مدیران در استراتژی‌های رقابتی بازار محصول و تمرکز مشتریان تأثیر منفی و معناداری دارد.

فخاری و کبیری (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان بررسی اثر تعدیل‌کنندگی گزارش حسابرسی بر ارتباط افشای ضعف کنترل داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی انجام دادند. در این پژوهش تعداد ۱۵۷ شرکت بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین گزارش افشای ضعف کنترل داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده

1 . Zhang et al
2 . Jia
3 . Ji et al
4 . Lee
5 . Ridge et al

در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین گزارش حسابرسی نقش تعدیل کننده‌ای بر ارتباط بین افشا ضعف کنترل‌های داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها دارد. دیدار و همکاران (۱۳۹۷) که تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند، اشاره کرد. در این راستا گزارش‌ها مالی شرکت‌ها طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ مور بررسی قرار گرفت. همچنین از الگورگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها، تأثیر منفی و معنادار دارد و همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی نقش تعدیل کننده بر تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی دارد. مدیران کوتاه بین با کاهش هزینه‌هایی که هدف از تحمل آن‌ها به دست آوردن منافع بلندمدت است باعث کاهش ارزش شرکت می‌شوند که بالا بردن سطح نظارت بر مدیریت می‌تواند این گونه رفتارها مدیریت را کاهش داد.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی را بررسی نمودند. برای انجام پژوهش تعداد ۹۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ از طریق رگرسیون لجستیک و تحلیل داده‌های تابلویی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیران با نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی رابطه مثبت و معناداری دارد و مدیران بیش اطمینان توانایی رفع پیامدهای منفی ناشی از ضعف کنترل‌های داخلی (عدم کارایی سرمایه‌گذاری و عدم کارایی عملیاتی) را ندارند.

فرضیه‌های پژوهش

مدیران دارای بیش اطمینانی معمولاً سه ویژگی «تأثیر بیش از میانگین»، «گریز از کنترل‌ها» و «درجه بندی نادرست» را دارا هستند. (بن دیوید، ۲۰۱۳: ۱۵۴۹؛ پرسون و بناسای، ۱۹۹۶: ۲۰۳). از آنجایی که یکی از سرمایه‌گذاری‌های ویژه شرکت‌ها، پیاده‌سازی و نگهداری کنترل‌های داخلی اثربخش و پوشش نقاط ضعف آن، به عنوان یکی از وظایف مدیران شرکت‌ها است، تصمیم‌گیری آن‌ها بر اثربخشی مکانیزم‌های کنترل داخلی تأثیر گذار می‌باشد (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). با توجه به این که مدیران بیش اطمینان بر اساس سه ویژگی یادشده، گرایش به کمتر از واقع برآورد نمودن ریسک‌ها و بیش از واقع برآورد کردن توانایی‌های خود دارند، لذا انتظار می‌رود که این موضوع در استقرار کنترل‌های داخلی که برای کاهش ریسک خطای گزارشگری مالی پیاده‌سازی شده‌اند، تأثیر گذار باشد و باعث کاهش تمایل مدیران بیش اطمینان به اختصاص منافع شرکت برای پیاده‌سازی و نگهداری کنترل‌های داخلی اثربخش گردد. همچنین پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه مدیران بیش اطمینان در خصوص وجود سرمایه‌گذاری‌های جایگزین و برآورد بیشتر از واقع بازده این سرمایه‌گذاری‌ها نیز دلیل دیگری برای کاهش تمایل اختصاص منابع شرکت به کنترل‌های داخلی محسوب می‌شود (گوئل و تاکور، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۹). اما وجود انگیزه‌های رقابتی در مدیران می‌تواند تأثیر مثبت بیش اطمینانی مدیران نسبت به نقاط ضعف کنترل‌های داخلی را در جهت معکوس تقویت نماید. چراکه مدیران دارای انگیزه‌های رقابتی تلاش می‌کنند تا در جهت حداکثر سازی ثروت سهامداران حرکت کنند و بر این اساس پیش‌بینی‌های واقع‌گرایانه‌تری از آینده

خواهند داشت و بر اساس منافع سهامداران تلاش می‌کنند تا کنترل‌های داخلی اثربخش‌تری را ایجاد نمایند تا شفافیت اطلاعاتی در راستای کاهش هزینه‌های نمایندگی کاهش یابد. لذا فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند:

۱- انگیزه‌های رقابتی تأثیر مثبت بیش اطمینانی مدیرعامل بر ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند.

مکانیسم‌های حاکمیت داخلی به دنبال جلوگیری از رفتارهای کوتاه‌بینانه‌ی مدیریتی است و همواره از طریق نظارت بر پاداش مدیران و انگیزه‌های آن‌ها، تلاش می‌کنند تا دیدگاه مورد توجه وسیع‌تری را به مدیران برای آینده‌ی شرکت ترسیم نمایند و با شناخت بیشتر بازار و سهامداران و رقبا، تصمیمات بهتری را در این زمینه بگیرند (دیوید و همکاران^۱، ۲۰۰۱؛ ۱۴۶؛ لی و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۱۸۰). کوتاه‌بینی مدیریتی باعث می‌گردد تا سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت جایگزین سرمایه‌گذاری‌هایی همچون مکانیزم‌های کنترل داخلی گردد. چراکه هزینه‌های پیاده‌سازی و نگهداری کنترل‌های داخلی اثربخش، بالا بوده و مدیران دارای کوتاه‌بینی، چندان تمایلی به ایجاد چارچوب‌های منسجم در ارائه‌ی اطلاعات با کیفیت در گزارشگری مانی ندارند. بر اساس نظریه اثربخشی نظریه رفتار کنشگر در راستای تئوری نمایندگی، مکانیزم‌های کنترلی راهبری شرکت‌ها تلاش می‌کنند از طریق معیارهای انگیزشی همچون پاداش، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند و از طریق تقویت انگیزه‌های مدیران نظارت‌های لازم را به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی ایجاد کنند. بر این اساس ساختارهای حاکمیتی شرکت‌ها با تزیق محرک‌هایی همچون پاداش تلاش می‌کنند، عملکردهای کوتاه‌بینانه‌ی مدیران را به سمت دیدگاه‌های آینده‌نگرانه تقویت نمایند تا با سرمایه‌گذاری در مکانیزم‌های کنترل داخلی، اطلاعات قابل اتکاتری به سهامداران جهت افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها ارائه دهند (کائو و لو، ۲۰۱۸: ۴). بر این اساس فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند:

۲- انگیزه‌های رقابتی تأثیر مثبت کوتاه‌بینی مدیرعامل بر ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی پژوهش نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
۲. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۳. طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند). پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۸۸ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. داده‌های پژوهش حاضر از لوح‌های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های مرتبط و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم‌افزار Eviews صورت گرفته است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ضعف کنترل داخلی

در این پژوهش ضعف کنترل داخلی به‌عنوان متغیر وابسته مورد توجه می‌باشد که به پیروی از پژوهش بولتون و همکاران^۱ (۲۰۱۶) از تعداد نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده در گزارش حساب‌برسان استفاده می‌شود. رویکرد پیشنهادی بولتون و همکاران (۲۰۱۶) چهار سطحی به شرح زیر می‌باشد:

- **مرتبط به درآمد:** شامل آن دسته از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده در گزارش حساب‌برسان می‌باشد که مربوط به درآمدها و فروش‌های شرکت در سال جاری می‌باشد، برای اندازه‌گیری این قسمت به هر کدام از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده عدد یک داده می‌شود.
- **مرتبط به هزینه:** شامل آن دسته از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده در گزارش حساب‌برسان می‌باشد که مربوط به هزینه‌ها و مخارج شرکت در سال جاری می‌باشد، برای اندازه‌گیری این قسمت به هر کدام از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده عدد یک داده می‌شود.
- **مرتبط به تحصیل:** شامل آن دسته از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده در گزارش حساب‌برسان می‌باشد که مربوط به تحصیل شرکت می‌باشد (چنانچه شرکت در طی سال شرکتی دیگر را تحصیل کرده باشد درواقع بیش از ۱۶ درصد سهام شرکتی دیگر را خریده باشد) برای اندازه‌گیری این قسمت به هر کدام از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده عدد یک داده می‌شود.
- **مرتبط به کلی:** شامل آن دسته از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده در گزارش حساب‌برسان می‌باشد. که به‌صورت کلی و غیر از موارد مرتبط به درآمد، مرتبط به هزینه و مرتبط به تحصیل باشد، برای اندازه‌گیری این قسمت به هر کدام از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی افشاشده عدد یک داده می‌شود.

متغیر تعدیل‌کننده

انگیزه رقابتی

انگیزه رقابتی به‌عنوان معیار اثربخشی نظریه رفتار کنشگر در این پژوهش به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده مورد توجه می‌باشد و به پیروی از پژوهش بوگنانو^۲ (۲۰۰۱) از ۰ و ۱ برای سنجش

انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل استفاده می‌شود. به گونه‌ای که اگر نسبت پاداش مدیرعامل بر سود سالانه شرکت در ابتدای دوره در دامنه (۰/۰۰۱) قرار بگیرد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ قرار داده می‌شود. این معیار مجازی برحسب نظریه رفتار کنشگر نسبت تلاش مدیران برای پاداش دریافتی آن‌ها به سود سالانه شرکت را نشان می‌دهد و هر قدر این عدد بالاتر باشد نشان‌دهنده تلاش بیشتر مدیران در راستای منافع سهامداران می‌باشد.

متغیر مستقل

کوتاه‌بینی مدیریتی

کوتاه‌بینی مدیریتی به‌عنوان متغیر مستقل در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع شرکت‌هایی که به‌طور هم‌زمان بازده دارایی بیش‌ازحد مورد انتظار و هزینه بازاریابی و پژوهش و توسعه کمتر از حد مورد انتظار را گزارش می‌کنند، به‌احتمال زیاد درگیر مدیریت کوتاه‌بین هستند. برای شناسایی و تعیین کوتاه‌بینی، ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی برآورد کرد. در این راستا به پیروی از اندرسون و هسایو^۱ (۱۹۸۲) از روابط زیر استفاده می‌شود:

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$MKTG_{it} = \beta_0 + \beta_1 MKTG_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$R\&D_{it} = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن: ROA_{it} نسبت بازده دارایی‌های شرکت i در زمان t ; ROA_{it-1} نسبت بازده دارایی‌های شرکت i در زمان $t-1$; $MKTG_{it}$ هزینه بازاریابی شرکت i در زمان t ; $MKTG_{it-1}$ هزینه بازاریابی شرکت i در زمان $t-1$; $R\&D_{it}$ هزینه تحقیق و توسعه شرکت i در زمان t ; $R\&D_{it-1}$ هزینه تحقیق و توسعه شرکت i در زمان $t-1$. برآورد مقادیر بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از الگو i ای فوق انجام می‌گیرد و مقادیر پیش‌بینی شده حاصل از الگوی با مقادیر واقعی مقایسه شده، سپس با توجه به خطای پیش‌بینی این سه الگو، شرکت در دو گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شود. نکته قابل توجه این است که با توجه به عدم افشای هزینه‌های تحقیق و توسعه تمامی شرکت‌ها، امکان اجرای مدل در سطح صنعت به دلیل عدم همگن شدن داده‌ها میسر نمی‌باشد، لذا مدل برای کل شرکت‌ها اجرا شد. همان‌طور که گفته شد، با توجه به خطای پیش‌بینی این سه معیار، شرکت‌ها به دو گروه به ترتیب زیر دسته‌بندی شدند:

جدول ۱. گروه‌بندی نمونه آماری

گروه‌بندی	اختلاف بازده دارایی‌ها	اختلاف هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه
گروه اول	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی مثبت	اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی منفی
گروه دوم	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی مثبت	اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی مثبت

از آنجایی که اندازه‌گیری متغیر کوتاه‌بینی مدیریتی به صورت کیفی است، بنابراین شرکت‌هایی که دارای ویژگی کوتاه‌بینی مدیریتی است یعنی در گروه یک قرار می‌گیرند عدد یک و به شرکت‌های که شاهد چنین ویژگی نیستند و در گروه دوم قرار می‌گیرند، عدد صفر تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر گروه یک شرکت‌های دارای مدیریت کوتاه‌بین هستند، چراکه حتی با وجود مثبت بودن عملکرد شرکت، افزایش بازده دارایی‌ها، هزینه‌های بازاریابی و هزینه‌های تحقیق و توسعه منفی هستند. این به معنای آن است که این شرکت‌ها گرچه تلاش دارند از طریق مثبت جلوه داده بازده دارایی‌ها عملکرد خود را مطلوب جلوه دهند، اما به دلیل اختلاف هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه با مقادیری که با توجه به شرایط بازار باید، انجام می‌گرفت، نشان می‌دهد دارای کوتاه‌بینی مدیریتی هستند.

بیش اطمینانی مدیرعامل

در این پژوهش بیش اطمینانی مدیرعامل به عنوان متغیر مستقل دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور سنجش این متغیر از مدل شراند و زچمن^۱ (۲۰۱۱) بر اساس رابطه (۴) استفاده می‌شود.

$$\text{Newinvest}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Grow}_{it} + \beta_2 \text{Lve}_{it} + \beta_3 \text{Cash}_{it} + \beta_4 \text{Age}_{it} + \beta_5 \text{Size}_{it} + \beta_6 \text{Return}_{it} + \beta_7 \text{Squnewint}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در آن: Newinvest_{it} سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌های شرکت i در سال t (که از جمع مخارج سرمایه‌ای با خرید دارایی ثابت مشهود منهای فروش دارایی ثابت مشهود با استهلاک انباشته سرمایه‌ای محاسبه می‌شود)؛ Grow_{it} رشد درآمد شرکت i در سال t (که توسط رشد درآمد از طریق درآمد حاصل از فروش و خدمات حاصل می‌شود)؛ Lve_{it} اهرم مالی شرکت i در سال t (که از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود)؛ Cash_{it} وجه نقد نگهداری شده شرکت i در سال t (که از لگاریتم طبیعی جمع وجه نقد و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار شبه نقد کوتاه‌مدت محاسبه می‌شود)؛ Age_{it} سن شرکت i در سال t (که اشاره به تعداد سال‌هایی که شرکت وارد بورس اوراق بهادار شده است محاسبه می‌شود)؛ size_{it} اندازه شرکت i در سال t (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)؛ Return_{it} بازده سهام شرکت i در سال t ؛ Squnewint_{it} سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت شرکت i در سال t ؛ ε_{it} خطای باقیمانده مدل

بر اساس خطای باقیمانده رابطه (۴) که معیار سنجش بیش اطمینانی می‌باشد، از معیار ۰ و ۱ استفاده می‌شود. به گونه‌ای که اگر مثبت باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ به آن تعلق می‌گیرد. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند، مدیران نسبت به هم‌تایان خود بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند.

متغیرهای کنترلی

▪ فرصت‌های سرمایه‌گذاری (MKTBEQ): برای سنجش این متغیر با توجه به پژوهش‌های ابر و گود فر^۲ (۲۰۱۰) و لوپز و ویسنته^۳ (۲۰۱۰) از معیار ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام

1 . Scherand & Zechman
2 . Abor and Godfred
3 . Lopez & Vecente

استفاده می‌شود. در واقع شرکت‌های دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر ممکن است بازده مورد انتظار این سرمایه‌گذاری در ارزش‌گذاری سهام توسط بازار بازتاب داده شود اما در ارزش‌های دفتری انعکاس داده نمی‌شود.

- اندازه‌ی هیئت‌مدیره (BSIZE): این متغیر، تعداد افراد موجود در هیئت‌مدیره شرکت‌ها تعریف شده است. (گامپیرس و همکاران^۱، ۲۰۰۳؛ دیانتی و ملک محمودی، ۱۳۹۲).
- استقلال هیئت‌مدیره (BIND): در این پژوهش همانند پژوهش خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) و بیچاک و همکاران^۲ (۲۰۰۹) برای سنجش این متغیر از نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره استفاده می‌شود.
- سهم بازار (Market Share): به منظور سنجش این متغیر بر اساس پژوهش هیگینز و همکاران^۳ (۲۰۱۵) از نسبت فروش هر شرکت به کل فروش صنعتی که شرکت مزبور در آن فعالیت دارد، استفاده می‌شود؛ بنابراین بالا بودن این نسبت نشان‌دهنده‌ی سهم بیشتر شرکت در بازار است.

مدل پژوهش

با توجه به تعاریف عملیاتی متغیرها و ماهیت فرضیه‌های پژوهش از رابطه (۵) و (۶) برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود:

$$ICQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Overcon_{it} + \beta_2 Tournament\ incentive_{it} + \beta_3 Overcon_{it} \times Tournament\ incentive_{it} + \beta_4 MKTBEQ_{it} + \beta_5 BSIZE_{it} + \beta_6 BIND_{it} + \beta_7 Market\ Share_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$$ICQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Managerial\ Myopic_{it} + \beta_2 Tournament\ incentive_{it} + \beta_3 Overcon_{it} \times Tournament\ incentive_{it} + \beta_4 MKTBEQ_{it} + \beta_5 BSIZE_{it} + \beta_6 BIND_{it} + \beta_7 Market\ Share_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۶)}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۲)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را برای نمونه‌ای متشکل از ۵۲۸ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۶ نشان می‌دهد. با توجه به ماهیت برخی از متغیرهای پژوهش که به صورت ۰ و ۱ سنجیده شده است، آمار توصیفی در قالب دو جدول (۲) و (۳) ارائه می‌شود که جدول (۲) نشان‌دهنده‌ی معیارهای میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه می‌باشد و جدول (۳) فراوانی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1 . Gompers et al
2 . Bebchuk et al
3 . Higgins et al

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مشاهدات	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
کوته‌بینی مدیریت	۵۲۸	۰/۴۸۲	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۱۴
ضعف کنترل داخلی	۵۲۸	۶/۹۸۶	۴	۰/۰۰۰	۲۴	۶/۵۹۵
اندازه هیئت‌مدیره	۵۲۸	۵/۱۶	۵	۳	۷	۰/۳۴۸
سهم بازار	۵۲۸	۰/۰۸۳	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰۱۳	۰/۷۹۷	۰/۱۲۱
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	۵۲۸	۰/۳۱۱	۰/۲۷۹	-۳/۱۲	۳/۱۷	۰/۴۸۶
استقلال هیئت‌مدیره	۵۲۸	۰/۶۱۶	۰/۵۶۲	۰	۱	۰/۱۳۹

نکته: بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد زیرا میانگین تحت تأثیر این مقادیر قرار می‌گیرد در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست است.

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین آمار توصیفی کوته‌بینی مدیریتی برابر با ۰/۴۸۲ می‌باشد که نشان می‌دهد، ۴۸٫۲ درصد شرکت‌های مورد بررسی گرچه اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی مثبت دارند، اما اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با مقادیر واقعی منفی می‌باشد. میانگین ضعف کنترل داخلی برابر با ۶/۹۸۶ می‌باشد که نشان‌دهنده این موضوع است که به‌طور متوسط در کنترل‌های داخلی شرکت‌های مورد مطالعه، از تعداد ضعف‌هایی به‌اندازه ۷ مورد برخوردار است که در گزارش حسابرسی به آن اشاره شده است. میانگین آمار توصیفی استقلال هیئت‌مدیره نشان داد ۶۱/۶ درصد اعضای کل هیئت‌مدیره را مدیران غیرموظف تشکیل داده‌اند. همچنین آمار توصیفی سهم بازار نشان می‌دهد، کل فروش صنعت تنها ۸۳ درصد از فروش هر شرکت را در بازار سرمایه تشکیل می‌دهد و این موضوع با توجه به رکود حاکم بر ساختار بازار کشور و افت شدید تولید تا حدی قابل پیش‌بینی بود. در ادامه فراوانی سایر متغیرهای پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳. فراوانی متغیرهای دوجویی بر اساس مجموع مشاهدات

متغیرها	وجود داشتن (۱)		وجود نداشتن (۰)		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بیش اطمینانی مدیرعامل	۳۱۶	۶۳/۵۸	۲۱۲	۳۶/۴۲	۵۲۸
انگیزه رقابتی	۲۰۱	۳۸/۰۶	۳۲۷	۶۱/۹۴	۵۲۸

جدول (۳) آمار توصیفی را برای متغیرهای دوجویی یا متغیرهای کیفی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست آمده مشخص گردید، ۶۳/۵۸ درصد مشاهدات (۳۱۶ مشاهده) شرکت‌های مورد مطالعه، مدیران دارای سرمایه‌گذاری بیش از مازاد نسبت به سایر مدیران هستند که نشان‌دهنده سطح بیش اطمینانی مدیرعامل می‌باشد و ۳۶/۴۲ درصد مدیران نیز از این قاعده مستثنا هستند. همچنین مشخص گردید، ۳۸/۰۶ درصد مشاهدات شرکت‌های مورد بررسی، مدیران دارای انگیزه‌های رقابتی بودند و ۶۱/۹۴ درصد مدیران نیز انگیزه رقابتی نداشتند و یا شرکت‌ها شرایط را برای ارتقای آن محیا نکرده‌اند.

آزمون‌های پیش فرض رگرسیون

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می‌باشد که به‌عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می‌شود. یکی از آزمون‌های تشخیص ناهمسانی واریانس آزمون بروش-

پاگان-گادفری می‌باشد که راجع به ثابت بودن یا متغیر بودن واریانس جمله خطا است. آزمون دیگر پیش فرض رگرسیون آزمون خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا می‌باشد که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. برای این منظور، معمولاً از آزمون تشخیص خودهمبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده می‌گردد. همچنین آزمون دیگر پیش فرض رگرسیون، آزمون نرمال بودن جملات خطا می‌باشد. یکی از آزمون‌هایی که نرمال بودن جملات خطا را مورد آزمون قرار می‌دهد آزمون جارک-برا است. با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش آزمون پیش فرض رگرسیون برای مدل دوم و سوم استفاده می‌شود.

جدول ۴. آزمون‌های پیش فرض رگرسیون

مدل	آزمون	آماره J-B / F	سطح معنی‌داری	وضعیت
مدل دوم	آزمون بروش گادفری	۱۲/۳۶۷	۰/۰۰۲	عدم رد H_0 وجود خودهمبستگی سریالی
	آزمون بروش پاگان گادفری	۴/۷۶۳	۰/۰۷۳	عدم رد H_0 وجود ناهمسانی واریانس
مدل سوم	آزمون جارک-برا	۵۹/۸۰۳	۰/۰۰۰	عدم رد H_0 توزیع غیر نرمال جملات خطا
	آزمون بروش گادفری	۱۲/۰۱۴	۰/۰۰۱	عدم رد H_0 وجود خودهمبستگی سریالی
	آزمون بروش پاگان گادفری	۶/۴۳۹	۰/۰۶۲	عدم رد H_0 وجود ناهمسانی واریانس
	آزمون جارک-برا	۷۸/۹۵۸	۰/۰۰۰	عدم رد H_0 توزیع غیر نرمال جملات خطا

بررسی مدل به روش داده‌های ترکیبی

داده‌های این پژوهش به صورت داده‌های ترکیبی می‌باشند، در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد. سپس از آزمون هاسمن به منظور تعیین اثرات ثابت یا تصادفی متغیرهای پژوهش جهت برآورد مناسبتر (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت واحدهای مقطعی) استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول ۵ ارائه شده است، سطح معناداری آماره F لیمر برای هر سه مدل کمتر از ۰/۰۵ است و بررسی نتایج آزمون هاسمن نشان داد در مدل‌های رگرسیونی پژوهش چون سطح معنی‌داری آزمون بزرگ‌تر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می‌گردد. نکته‌ی قابل توجه این است که با توجه به اینکه مدل‌های مورد بررسی دارای خودهمبستگی سریالی هستند و از طرفی چون مدل اثرات تصادفی برای آزمون مدل‌های رگرسیونی انتخاب شده است، لذا مشکلی برای آزمون فرضیات وجود ندارد چرا که در روش اثرات تصادفی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده می‌گردد.

جدول ۵. نتایج آزمون اثرات داده‌های ترکیبی (پانل)

فرضیه‌ها	آزمون	آماره χ^2 / F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون	مدل انتخابی
مدل دوم	اثرات ثابت (F لیمر)	۱/۵۷۴	(۷۹/۱۵۴)	۰/۰۰۰	رد H_0	تابلویی
	اثرات تصادفی (هاسمن)	۶۳۲۸	۵	۰/۱۱۸	عدم رد H_0	تصادفی
مدل سوم	اثرات ثابت (F لیمر)	۱/۳۹۰	(۷۹/۱۵۴)	۰/۰۰۰	رد H_0	تابلویی
	اثرات تصادفی (هاسمن)	۵/۲۳۶	۵	۰/۱۰۹	عدم رد H_0	تصادفی

همچنین، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی، آزمون همخطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آنکه مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، لذا هم‌خطی بین آن‌ها وجود ندارد.

ضریب همبستگی پیرسون

به منظور بررسی دقیق تر ارتباط بین متغیرهای پژوهش ابتدا طبق جدول ۶ ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش انجام می شود.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل		متغیر وابسته
بیش اطمینانی	کوتاه بینی	ضعف کنترل داخلی
Overcon	Managerial Myopic	
۰/۲۸۴*	۰/۱۷۷**	

نکته: * بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۱٪ می باشد. ** بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ می باشد.
نماد: ضعف کنترل داخلی (ICQ)

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، بر اساس ضریب همبستگی پیرسون ارتباط بین کوتاه بینی مدیریتی (Myopic) با ضعف کنترل داخلی (ICQ) مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار می باشد. همچنین مشخص گردید، ارتباط بین بیش اطمینانی مدیرعامل (Overcon) با ضعف کنترل داخلی (ICQ) مثبت و در سطح ۱ درصد معنادار می باشد. در واقع نتیجه ی به دست آمده تأییدی بر ارتباط تئوریک بین متغیرهای پژوهش می باشد و مشخص گردید، در صورت وجود رویکردهای تصمیم گیری کوتاه مدت و خوش بینانه مدیرعامل شرکت ها، نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت ها بیشتر می شود.

آزمون فرضیه های پژوهش

بر اساس فرضیه اول که بیان می کند، انگیزه های رقابتی تأثیر مثبت بیش اطمینانی مدیرعامل بر ضعف کنترل داخلی شرکت ها را تعدیل می کند، آزمون فرضیه اول پژوهش طبق جدول ۶ ارائه می شود.

جدول ۷. آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: ضعف کنترل داخلی (ICQ)		دوره ی زمانی: ۱۳۹۱-۱۳۹۶	
مشاهدات: ۵۲۸ (سال-شرکت)		تعداد شرکت های مورد بررسی: ۸۸	
متغیر	نوع ارتباط	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد
عرض از مبدأ	؟	۰/۱۱۵°	۰/۰۲۶
بیش اطمینانی مدیرعامل	+	۰/۱۰۴**	۰/۰۲۹
انگیزه رقابتی	-	-۰/۰۹۳°	۰/۰۳۶
انگیزه رقابتی X بیش اطمینانی مدیرعامل	-	-۰/۱۱۶°	۰/۰۲۲
فرصت های سرمایه گذاری	-	-۰/۰۸۶**	۰/۰۴۸
اندازه هیئت مدیره	-	-۰/۰۷۸**	۰/۰۳۲
استقلال هیئت مدیره	-	-۰/۰۹۹°	۰/۰۳۹
سهم بازار	-	-۰/۱۰۴°	۰/۰۳۶
ضریب تعیین		۰/۸۲۸	آماره F
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۱۱	دوربین واتسون

نکته: * بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۱٪ می باشد. ** بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ می باشد.
نماد: ضعف کنترل داخلی (ICQ)؛ بیش اطمینانی مدیرعامل (Overcon)؛ انگیزه رقابتی (Tournament incentive)؛ اندازه هیئت مدیره (BSIZE)؛ استقلال هیئت مدیره (BIND)؛ فرصت های سرمایه گذاری (MKTBEQ)؛ سهم بازار (Market Share).

همان‌طور که در جدول (۷) برای آزمون فرضیه اول ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری آن در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۱ درصد است. همچنین، با توجه ضریب تعیین می‌توان ادعا نمود که حدود ۸۲ درصد از تغییرات ضعف کنترل‌های داخلی (ICQ) توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود. همچنین، همان‌گونه که در جدول فوق نیز مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t بیش اطمینانی مدیرعامل (Overcon) به ترتیب برابر با (۰/۱۰۴) و (۴/۲۱۵) می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری زیر ۵ درصد، تأثیر مثبت و معناداری بر ضعف کنترل داخلی (ICQ) دارد. همچنین مشخص گردید آماره t انگیزه رقابتی (Overcon) برابر با (-۳/۵۶۳) می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری زیر ۱ درصد، نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار بر نقاط ضعف کنترل داخلی می‌باشد. از طرف دیگر مشخص گردید، تعامل انگیزه رقابتی با بیش اطمینانی (Tournament incentive × Overcon) با توجه به آماره t (-۵/۰۲۳) و سطح خطای ۱ درصد، منجر به کاهش نقاط ضعف کنترل داخلی (ICQ) می‌شود که این به معنای آن است که انگیزه رقابتی تأثیر مثبت بیش اطمینانی بر نقاط ضعف کنترل داخلی را در جهت منفی تعدیل می‌کند. درنهایت باید بیان نمود، تأثیر متغیرهای کنترلی شامل فرصت‌های سرمایه‌گذاری، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و سهم بازار به ترتیب با آماره t (-۳/۳۲۸)؛ (-۲/۵۱۸)؛ (-۳/۸۱۲) و (-۴/۳۳۰) در سطح خطای ۵ درصد و ۱ درصد بر ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارند.

بر اساس فرضیه دوم که بیان می‌کند، انگیزه‌های رقابتی تأثیر مثبت کوتاه‌بینی مدیرعامل بر ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند، آزمون فرضیه دوم پژوهش طبق جدول (۸) ارائه می‌شود.

جدول ۸. آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: ضعف کنترل داخلی (ICQ)		دوره‌ی زمانی: ۱۳۹۱-۱۳۹۶	
مشاهدات: ۵۲۸ (سال-شرکت)		تعداد شرکت‌های موردبررسی: ۸۸	
ضعف کنترل داخلی (ICQ)			
متغیر	نوع ارتباط	ضریب رگرسیونی	خطای استاندارد
عرض از مبدأ	؟	۰/۱۳۱°	۰/۰۱۸
کوتاه‌بینی مدیرعامل	+	۰/۱۱۲°	۰/۰۲۳
انگیزه رقابتی	-	-۰/۰۹۳°	۰/۰۳۶
انگیزه رقابتی × کوتاه‌بینی مدیرعامل	-	-۰/۱۴۳°	۰/۰۱۱
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	-	-۰/۰۸۶°	۰/۰۴۸
اندازه هیئت‌مدیره	-	-۰/۰۷۸°	۰/۰۳۲
استقلال هیئت‌مدیره	-	-۰/۰۹۹°	۰/۰۳۹
سهم بازار	-	-۰/۱۰۴°	۰/۰۳۶
ضریب تعیین		۰/۷۹۲	آماره F
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۷۶۶	دوربین واتسون

نکته: ° بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۱٪ می‌باشد. °° بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ می‌باشد.
 نماد: ضعف کنترل داخلی (ICQ)؛ کوتاه‌بینی مدیریتی (Myopic)؛ انگیزه رقابتی (Tournament incentive)؛ اندازه هیئت‌مدیره (BSIZE)؛ استقلال هیئت‌مدیره (BIND)؛ فرصت‌های سرمایه‌گذاری (MKTBEQ)؛ سهم بازار (Market Share).

همان‌طور که در جدول (۸) برای آزمون فرضیه دوم ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری آن در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۱

درصد است. همچنین، با توجه ضریب تعیین می‌توان ادعا نمود که حدود ۷۹ درصد از تغییرات ضعف کنترل‌های داخلی (ICQ) توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود. همچنین، همان‌گونه که در جدول فوق نیز مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t کوتاه‌بینی‌مدیریتی (Myopic) به ترتیب برابر با (۰/۱۱۲) و (۵/۱۵۹) می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری زیر ۱ درصد، تأثیر مثبت و معناداری بر ضعف کنترل داخلی (ICQ) دارد. همچنین مشخص گردید تعامل انگیزه رقابتی با کوتاه‌بینی‌مدیریتی (Tournament incentive \times Myopic) با توجه به آماره t (-۷/۰۲۳) و سطح خطای ۱ درصد، منجر به کاهش نقاط ضعف کنترل داخلی (ICQ) می‌شود که این به معنای آن است که انگیزه رقابتی تأثیر مثبت کوتاه‌بینی‌مدیریتی بر نقاط ضعف کنترل داخلی را در جهت منفی تعدیل می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش انگیزه در مدیران و راه‌کارهای تقویت به‌عنوان یکی از مباحث مرتبط به حیطه‌های تصمیم‌ساز و عملکردی شرکت‌ها بر اساس تئوری نمایندگی می‌باشد که در طی سالیان اخیر از نظر پژوهشی رشد زیادی داشته است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه رفتار کنشگر می‌باشد که رفتار مدیران بر اساس آن تشریح می‌شود. بر اساس این نظریه، یک رفتار ارادی تصادفی با پیامدهای آن تداعی پیدا می‌نماید و اثرات مطلوب آن، فراوانی رفتار را افزایش و اثرات نامطلوب آن، فراوانی رفتار را کاهش می‌دهد و یا ممکن است پاسخ بر محیط تأثیری نداشته باشد که در این صورت، فراوانی پاسخ کاهش می‌یابد. به عبارت ساده‌تر، انگیزه‌های تقویت‌شده‌ی مدیرعامل می‌تواند به‌عنوان یک محرک عمل نماید و باعث تقویت رفتار پاسخگر و سپس با توجه به نهادینه شدن در فرد، پاسخ کنشگرانه را به همراه داشته باشد. در واقع هدف این پژوهش بررسی تأثیر انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط سوگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نظریه رفتار کنشگر از طریق سنجش متغیر انگیزه رقابتی مدیرعامل به‌عنوان یک محرک مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتیجه‌ی فرضیه اول پژوهش مشخص گردید، انگیزه رقابتی تأثیر منفی بیش اطمینانی مدیرعامل بر نقاط ضعف کنترل داخلی را تعدیل و به سمت مثبت تقویت می‌نماید؛ به عبارت دیگر وقتی محرک‌های مادی در کنار محرک‌های رفتاری تقویت شوند، ویژگی‌های بیش اطمینانی مدیرعامل همچون مزاد سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و نقاط ضعف کنترل داخلی را کاهش می‌دهد. چراکه انگیزه‌های رقابتی باعث می‌شوند، محرک‌های رفتاری در عملکردهای مدیران تقویت شود و انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری با آینده‌نگری بیشتر و مبتنی بر ارزیابی منصفانه ارزش فعلی خالص پروژه‌ها باشد و لازمی آن تقویت هر چه بیشتر کیفیت کنترل‌های داخلی از طریق کاهش نقاط ضعف آن می‌باشد. انگیزه‌های رقابتی به مدیران کمک می‌کند تا با ادراکی واقع‌گرایانه، کمتر دچار سوگیری در برآوردهای آینده‌نگرانه گردند و واقع‌گرایانه‌تر با اتکا به کنترل‌های داخلی پویاتر اقدام به تصمیم‌گیری نمایند. در واقع این پاداش به‌عنوان یک انگیزه می‌تواند محرک خوبی در هم‌راستا سازی منابع شرکت با منافع سهامداران گردد و از طریق تقویت مطلوبیت‌های مکانیزم‌های کنترل داخلی، می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند. نتیجه‌ی این فرضیه با پژوهش، کائو و لو (۲۰۱۸)؛ ژانگ و همکاران (۲۰۱۸) و لی (۲۰۱۶) مطابقت دارد. در تحلیل نتیجه‌ی فرضیه دوم نیز

باید بیان نمود، از آنجایی که کوتاه‌بینی نوعی تعصب و سوگیری رفتاری در عملکردهای مدیران می‌باشد، نتیجه‌ی فرضیه دوم مشخص ساخت، کوتاه‌بینی تأثیر مثبتی بر نقاط ضعف کنترل داخلی دارد، چراکه نوعی ادراک سوگیرانه است که مدیر را در انتخاب بهترین تصمیم آینده‌نگرانه دچار محدودیت می‌کند و نگاه تحمیلی کوتاه‌بینانه‌ای بر عملکردهای شرکت حادث می‌شود که اثربخشی کنترل‌های داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس نتیجه در بخش دوم این فرضیه مشخص گردید، انگیزه‌های رقابتی می‌تواند تأثیر مثبت کوتاه‌بینی مدیریتی بر نقاط ضعف کنترل داخلی را تعدیل نماید، چراکه وجود انگیزه تحریک‌کننده‌ای همچون پاداش در مدیران هم‌راستا با نظریه کنشگر، موجب کاهش سوگیری‌های ادراکی مدیران در حیطه‌های عملکردی می‌شود و نگاه مبهم و کوتاه‌مدت تا حدی تحت تأثیر این محرک به سمت پاسخ‌های کنشگرانه و مبتنی بر کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی بین سهامداران و مدیرعامل می‌شود و با افزایش میزان منابع در تقویت مکانیزم‌های کنترل داخلی، تلاش می‌نمایند تا اطلاعات قابل اتکاتری از محتوای عملکردهای خود به سرمایه‌گذاران و سهامداران ارائه دهند. همین موضوع باعث تعدیل تأثیر منفی کوتاه‌بینی بر نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها به‌عنوان پیامد محرک ساز رفتار مدیران می‌تواند گردد و سوگیری‌های ادراکی همچون کوتاه‌بینی را کاهش دهند. نتیجه‌ی این فرضیه با پژوهش کائو و لو (۲۰۱۸)؛ ژانگ و همکاران (۲۰۱۸) و لی (۲۰۱۶) که به‌طور مفهومی نتیجه‌ی این فرضیه را تأیید می‌نمایند، مطابقت دارد.

بر اساس نتایج کسب‌شده پیشنهاد می‌شود، ارکان نظارتی بر عملکردهای مدیرعامل شرکت‌ها با به‌کارگیری استراتژی‌های تقویت رفتاری به‌عنوان زیرمجموع استراتژی‌های منابع انسانی، تلاش نمایند، محرک‌هایی همچون پاداش مدیرعامل را به‌عنوان یک تحریک‌کننده و نهادینه‌ساز رفتار در حیطه‌های تصمیم‌گیری شرکت، به‌جد موردتوجه قرار دهند تا از این طریق بیش اطمینانی سرمایه‌گذاری مدیرعامل کاهش یابد و تخصیص منابع قابل‌توجه‌تری به زیرساخت‌های کنترل‌های داخلی اختصاص داده شود تا اثربخشی شفافیت‌های اطلاعاتی شرکت‌ها تقویت گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود، به‌منظور سامان بخشیدن به نظارت بر حیطه‌های عملکردی شرکت‌ها در بازار سرمایه، قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی برای دوره‌ی تصدی مدیرعامل در شرکت‌ها موردبازنگری قرار گیرد که بر این اساس مدیرعامل توانمند بتواند در بازه زمانی بلندمدت برنامه‌های خود را پیاده نماید و همواره دغدغه‌ی ثبات مدیریتی نداشته باشد که بر اساس آن رویکرد کوتاه‌بینانه حاصل شود. این موضوع با توجه به پاداش‌های مدیریتی می‌تواند ضمن حفظ انگیزه‌های مدیرعامل، به تقویت هر چه بیشتر مکانیزم‌های کنترلی شرکت‌ها منجر شود.

منابع

- اعتباریان خوراسگانی، اکبر. قریشی شهرکی، سید احمد. (۱۳۹۴). ارتباط بین خطاهای ادراکی در تصمیم گیری و شخصیت، مجله مدیریت فراگیر، سال اول، شماره ۴، زمستان، ۹۶-۱۰۴.
- حمیدیان، محسن. جنت مکان، حسین. بن گریز، فرهان. (۱۳۹۷). تأثیر نوع نگرش مدیران بر انتخاب سیاست های تأمین مالی و پیامدهای آن بر عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۵): ۱۶۳-۱۸۰.
- خدادادی، ولی. نیک کار، جواد. ویسی، سجاد. (۱۳۹۵). تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۲، زمستان، ۷۴-۵۳.
- دیدار، حمزه. حیدری، مهدی. پور اسد، سعید. (۱۳۹۷). تأثیر کوتاه بینی مدیریتی بر کارایی شرکت ها با نقش تعدیل کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، دوره نهم، شماره ۱، بهار، پیاپی ۳۲، ۱۴۷-۱۶۹.
- دیانتی دیلمی، زهرا و ملک محمدی، هادی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ویژگی های نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، ش ۱۳، ۱۵۱-۱۷۰.
- رامشه، منیژه. ملانظری، مهناز. (۱۳۹۳). بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری، دانش حسابداری، ۵(۶): ۷۹-۵۵.
- زادپور، فاطمه. (۱۳۹۶). تقلب و سوء رفتارهای مدیران در گزارشگری مانی: مروری بر تحقیقات انجام شده از دیدگاه مالی، ماهنامه آفاق علوم انسانی، شماره دهم، بهمن، ۳۱-۴۴.
- عبدلی، محمدرضا. طالع زاری، سمیه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین کوتاه بینی مدیریت با کیفیت سود و میزان سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال دهم، شماره سی و چهارم، پاییز، ۵۷-۶۹.
- عیسانی، حسین. سیفی مورودی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی کنترل داخلی در مالی سازمان خرید یک نهاد دولتی، فصلنامه علمی-ترویجی اندیشه آحاد، شماره ۶۲، سال شانزدهم، ۴۳-۵۵.
- فخاری، حسین. کیبیری، محمدتقی. (۱۳۹۷). بررسی اثر تعدیل کنندگی گزارش حسابرسی بر ارتباط افشای ضعف کنترل های داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهش های تجربی حسابداری، ۷(۳): ۱۴۷-۱۷۲.
- قادری، کاوه. قادری، صلاح الدین. قادری، سامان. (۱۳۹۷). تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۳۷): ۲۴۳-۲۷۲.
- کثیری، حسین. حسن زاده، سهیل محمد. (۱۳۹۴). ضرورت به روزرسانی چارچوب یکپارچه ی کنترل داخلی (COSO)، دو ماهنامه حسابرسان داخلی، شماره ۵، ۶-۱۷.
- کمالی اردکانی، محسن. رجبی قیری، علی. (۱۳۹۴). بررسی آثار روان شناختی و عوامل مؤثر بر درک سرمایه گذاران از ریسک در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی؛ ۳(۱۰): ۱۲۵-۱۴۲.
- مرادی، جواد. باقری، هادی. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای تأثیر کوتاه بینی مدیریت و مدیریت سود بر بازده سهام، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، تابستان، ۲۳۹-۲۵۰.
- مهران پور، محمدرضا. محمدی، منصور. رجب بیکی، محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مانی، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، ۸(۴): ۱۱۹-۱۳۹.
- Aderson, T. W. Hsiao. C. (1982). Formulation and estimation of dynamic modes using panel data. *Journal of Econometrics*, 18(1), 47-82.
- Andreou, P. Daphna, E. Louca, C. (2014). "Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis", Available at: <http://www.efmaefm.org>

- Bar-Gill, O. Bebcuk, L. A. (2003). "Misreporting Corporate Performance" (June 2003). Harvard Law and Economics Discussion Paper No. 400. <http://ssrn.com/abstract=354141>
- Bebcuk, L. Cohen, A. Ferrell, A. 2009. What matters in corporate governance? Rev. Finan. Stud. 22 (2), 783-827.
- Bebcuk, L. Cohen, A. Ferrell, A. 2009. What matters in corporate governance? Rev. Finan. Stud. 22 (2), 783-827.
- Ben-David, I. Graham, J.R. Harvey, C.R. (2013). Managerial miscalibration. Quarterly Journal of Economics, 128(4), 1547-1584.
- Beng, W.G. Li, D. (2011); "Internal Controls and Conditional Conservatism"; Accounting Review, 86, 3, 975-1005.
- Bognanno, M. L. (2001). Corporate tournaments. J. Labor. Econ. 19, 290-315.
- Bolton, B. Lian, Q. Rupley, K. (2016), Industry contagion effects of internal control material weakness disclosures, Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting, 34, 27-40.
- Brown, D. R. Harvey, D. (2005) An experimental approach to organizational development, 7th edn. Pearson Prentice Hall, Upper Saddle River.
- Cadman, B. Sunder, J. (2018). Investor Myopia and CEO Horizon Incentives, Northwestern University, The University of Chicago, and the Winter Accounting Conference at the University of Utah especially Xue Wang (the discussant), the Conference on Financial Economics and Accounting especially Lalitha Naveen (the discussant).
- Cao, Y. Lu, Y. (2018). The individual characteristics of board members and internal control weakness: Evidence from China. Pacfin, [10.1016/j.pacfin.2018.05.013](https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2018.05.013)
- Chen, S. Lai, S. Liu, C. McVay, S. (2014). Overconfident managers and internal controls. Working Paper, National Taiwan University and University of Washington
- Chen, Y. Smith, A. L. Cao, J. & Xia, W. (2016). Information technology capability, internal control effectiveness, and audit fees and delays. Journal of Information Systems, 28(2), 149-180.
- Chorafas, N. D. (2007). Strategic Business Planning for Accountants: Methods, Tools and Case Studies, CIMA Publishing Is an Imprint of Elsevier, First Edition.
- David, P. Yoshikawa, T. Chari, M. D. R. & Rasheed, A. A. (2006). Strategic investments in Japanese corporations: Do foreign portfolio owners foster underinvestment or appropriate investment? Strategic Management Journal, 27, 591-600.
- Dess, G.G. & Picken, J.C. (1999). Creating competitive (dis) advantage: Learning from Food Lion's freefall. Academy of Management Executive, 13(3): 97-111.
- Didar, H., Heydari, M., Poursad, S. (2018). Impact of Myopic Management on Efficiency of Companies with Moderating Role of Corporate Governance Quality in Companies in Tehran Stock Exchange. , 9(1): 147-169. (In Persian).
- Diyanati Deylami, Z., Malekmahmoodi, H. (2013). Assessment of Effect of Corporate Governance Attitudes on Financial Information's Quality of the Firms Listed in Tehran Stock Exchange. , 4(13): 151-170. (In Persian).
- Esayee, H., Seifi, H. (2017). Investigate the Effectiveness of Internal Control in the Financial Matters of a Purchasing Organization. Logistics Thought, 16(62): 43-57. (In Persian).
- Etebariyan Khorasgani, A., Ghorishi Shahraki, S, A. (2015). The Relationship between Perceptual Mistakes in Decision Making and Personality, Journal of Inclusive Management, 1(4): 104-96. (In Persian).
- Fakhari, H., Kabiri, M. (2018). The Moderating Effect of Auditing Report on the Relation between Internal Control Weakness Disclosure

- and Information Asymmetry. *Empirical Research in Accounting*, 7(3): 147-172. (In Persian).
- Gervais, S. Heaton, J. B. Odean, T. (2010). "Overconfidence, Investment Policy, and Manager Welfare", Unpublished Working paper.
 - Goel, A.M. Thakor, A.V. (2008). Overconfidence, CEO selection and corporate governance. *Journal of Finance*, 63(6), 2737-2784.
 - Gompers, P. Ishii, J. Metrick, A. 2003. Corporate governance and equity prices. *Q. J. Econ.* 118 (1), 107-156.
 - Hamidian, M., Jannat Makan, H., Ben Goriz, F. (2018). The impact of kind of attitude executives on Information Asymmetry, Financial Leverage and Firm's Value. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(25), 163-180. (In Persian).
 - Higgins, D. Omer, T.C. Phillips, J.D. 2015. The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*. 32 (2), 674-702
 - Hoitash, U. Hoitash, R. Bedard, J. C. (2009). Corporate governance and internal control over financial reporting: A comparison of regulatory regimes. *Accounting Review*, 84(3), 839-867.
 - Hribar, P. & Yang, H, (2016). "CEO Overconfidence and Management Forecasting", *Contemporary Accounting Research*, 33 (1), PP. 204-227
 - Huang, W. Jiang F. Liu, Z. and Zhang, M. (2011). "Agency cost, top executives' Overconfidence, and Investment-cash Flow Sensitivity-Evidence from Listed Companies in China". *Pacific-Basin Finance Journal*, 19: 261-277
 - Ji, X, D. Lu, W. Qu, W. (2017). Voluntary Disclosure of Internal Control Weakness and Earnings Quality: Evidence From China, *The International Journal of Accounting*, Volume 52, Issue 1; 27-44
 - Jia, N. (2018). Tournament incentives and audit fees, *Journal of Accounting and Public Policy*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2017.07.005>
 - Kama, I. Weiss, D. (2013). "Do Earnings Targets and Managerial Incentives Affect Sticky Costs?", *Journal of Accounting Research*, 51(1), PP. 201-224
 - Kern, D.A. (2006). A matter of strategic mis-fit: Management myopia and value, Ph.D dissertation. Oklahoma State University.
 - Khodadadi, V., Nikkar, J., Veisi, S. (2017). Corporate Life Cycle and Cost of Equity Capita. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13(52): 61-82. (In Persian).
 - Lee, J. (2016). CEO overconfidence and the effectiveness internal control over financial reporting. *The Journal of Applied Business Research*, 32(1), 81-99
 - Lee, S. A. Walters, B. & Kroll, M. (2006). Themoderating effects of externalmonitors on the relationship between R&D spending and firm performance. *Journal of Business Research*, 59, 178-287
 - Levinthal, D.A. March, J.G. (1993). The myopia of learning. *Strategic Management Journal*, 14(winter), 92-112.
 - Libby, R. & Rennekamp, K, (2012), "Self-Serving Attribution Bias, Overconfidence, and the Issuance of Management Forecasts", *Journal of Accounting Research*, 50(1), PP. 197-231.
 - Lopez, I. Vecente, C. (2010). Do Leverage, Dividend Payout, and ownership Concentration Influence Firms Value Creation? *Emerging Markets Finance & Trade*, Vol 46. No.3, 80-94
 - McMullen, D. A. Raghunandan, K. Rama, D. V. (1996). Internal control reports and financial reporting problems. *Accounting Horizons*, December 10; 67-75.
 - Mehrabanpour, M., Mohammadi, M., Rajabbeyki, M. (2018). Relationship between Managerial Overconfidence and Internal Controls over Financial Reporting, 8(4): 119-139. (In Persian).
 - Miller, K.D. (2002). Knowledge inventories and managerial myopia. *Strategic Management Journal*, 23(8), 689-706.

- Mizik, N. (2010). The theory and practice of myopic management. *Journal of Marketing Research*, 47(4), 594-611.
- Mizik, N. Jacobson, R. (2007). Myopic marketing management: Evidence of the phenomenon and its long-term performance consequences in the SEO context. *Marketing Science*, 26(3), 361-79.
- Moradi, J., Bagheri, H. (2014). A comparative investigation into the Effects of Management Myopia and Earnings Management on Stock Return. *Accounting and Auditing Review*, 21(2): 229-250. (In Persian).
- Posen, H, E. Leiblein, M, J. Chen, J, S. (2018). Toward a behavioral theory of real options: Noisy signals, bias, and learning, *Strategic Management Journal*, Volume39, Issue4 April, 1112-1138.
- Presson, P.K. Benassi, V.A. (1996). Locus of control orientation and depressive symptomatology: A meta-analysis. *Journal of Social Behavior and Personality*, 11(1), 201-212
- Ramsheh, M., Molanzari, M. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. , 5(16): 55-79 (In Persian).
- Ridge, J. W. Kern, D. White, M, A. (2014). "The influence of managerial myopia on firm strategy", *Management Decision*, Vol. 52 Iss 3 pp. 602 – 623.
- Scherand, C.M. and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7(11): 4-11.